

رساله موسیقی درمانی

دوستان گرانقدر از پیشرفت علم و فرهنگ دوره های تاریخی کشور آگاهی دارند و چندی قبل بنده کتابی را از دست اخلاص جناب محترم استاد عبدالرحمن «فریدون» سلجوقی اثرگران بهای جناب محترم نصرالدین سلجوقی را بدست آوردم و از آن کتاب پر محتوا خیلی فیض بردم؛ اکنون جناب محترم نصرالدین سلجوقی کتاب رساله موسیقی درمانی نوشته ی و تالیف ذیقیمیت خواجه عبدالرحمن غزنوی بن سیف الدین غزنوی یکی از دانشمندان قرن دهم را که اندکی پس از عصر تیموریان تحریر و با معرفی مقامات و پرده های موسیقی پرداخته بود و بیان خاصیت درمانی علم موسیقی را در رفع بعضی امراض شرح نموده است؛ برایم ارسال داشته اند. با سپاس از جناب محترم نصرالدین سلجوقی باید از دو شخصیت و استادان دیگر خاندان سلجوقی هر یک جناب محترم محمد ارشد بهزاد سلجوقی و برادرشان جناب محترم استاد عبدالرحمن «فریدون» سلجوقی نیز تشکر بدارم که این دوبرادر ارجمند و هنرمند فرزندان شاعر و عالم بزرگ مرحوم فکری سلجوقی میباشند. این رساله که در طی «۳۴» صفحه با انگشتان هنرافرین جناب محمد ارشد بهزاد سلجوقی تمام آلات موسیقی را با سبک استاد هنر؛ کمال الدین بهزاد هروی نقاشی و با خطاطی انگشتان هنرور استاد عبدالرحمن فریدون سلجوقی زیب و زینت یافته است. کاپی های رنگه این اثر بخاطر بدست نشر سپرده میشود که در متن و متحوای آن معلومات بیشتر در رابطه موسیقی و درمان بعضی بیماری ارائه گردیده است.

در سده های پیشین با چاپ سنگی در ایران بنشر رسیده و در موزیم شورای اسلامی ایران محفوظ میباشد. در بخشی از این رساله پیرامون دستگاه ها و مقام های موسیقی و علاوه نموده پردهها و تقسیم مقام ها به شعب مختلف از جمله اصفهان یاد شده؛ که خاطره من «نصرالدین سلجوقی» در مورد یک مصاحبهء روزنامه قدس به شماره (۳۰۶۲) که محمد رحیم خوشنوی یکی از رباب نوازان مشهور هرات در سال (۱۳۷۷) ش - در مشهد انجام شده بود؛ در ذهنم تداعی بخشید. و متن مصاحبه را من «نصرالدین سلجوقی» به عنوان ماخذ در کتاب موسیقی هرات

نشر نمودم. در آن مصاحبه در باره دستگاه های موسیقی و تقسیم بندی آن در افغانستان پرسیده شده بود.

در پاسخ « موسیقی افغانستان گام های متنوع دارد. مصطلح است که موسیقی افغانستان از دو جنس مذکر و مونث (بیروی) و به موسیقی مذکر (یمن) میگویند. از اختلاط این دو موسیقی؛ دستگاه موسیقی افغانستان ساخته میشود». همچنان او از نت های ملتانی که معادل اصفهانی می باشد مانند بیلو (همایون) بیرو (چارگاه) بیروی (شور) دشتی (نوا) و پوری (ماهور) و غیره بحث مفصل در مصاحبه خوانده بودم. همچنان امیرجان خوشنواز نیز در این زمینه معلومات مفصل برای پروفیسور جان بیلی در رفت و آمد هایش در هرات ارائه کرده است. اهمیت دیگر این رساله بحثی از فواید علم موسیقی برای داکتران ویا اطبا و حکما اختصاص داده شده است؛ میباشد.

ساخت ادوات موسیقی را (عود) به فیثاغورث نسبت داده شده که این عود را بر هفت پرده (مقام) وضع نموده و بعد از وی شاگردانش یک پرده دیگر بر آن افزودند. در دور اول چهار پرده دیگر بر هشت پرده افزوده شده است.

نویسنده بعد از یاد اوری مختصر از تاریخچه موسیقی؛ از دوازده مقام و سپس از بیست چهار مقام دیگر مطالبی را تحریر نمود که دو شعبه را به یک مقام اختصاص داده است.

قابل یاد اوریست که نویسنده دوازده مقام موسیقی را به نقل قول از مولانا کوکبی و دیگر استادان علم موسیقی به نظم آورده است. هر مقام و دو شعبه یک آهنگ نامیده میشود. سپس به بانگ های موسیقی اشاره شده است.

چون کتاب مذکور در حوزهء موسیقی درمانی نگارش گردیده است؛ جایگاه خاص برای اطبا و حکما دارد.

بعضی از علما و محققین اختراع موسیقی و آلات آنرا به فیثاغورث منسوب دانسته اند و گویند که نوات و تار مخصوص رود را از جنس سه تار و دوتار اختراع کرده است و اما نظریات و اختراعات کسی دیگری بعد از فیثاغورث در ایجاد آلات موسیقی اهمیت بیشتر دارد؛ آن شخصیت گرانقدر ابونصر فارابی است. ابونصر فارابی عالم زبر دست موسیقی بود تالیفاتی زیادی در زمینه دارد و الاتی را نیز در عالم موسیقی اختراع کرده است.

مثلاً غیچک را از نو آوری های ابو نصر فارابی میدانند و همچنان وی را مخترع « قانون» نامیده اند. او در سال ۳۳۹ ق- به معلم ثانی مشهور گردید زیرا در

ریاضیات؛ موسیقی و طب اطلاعات بسیار مهم را تالیف و به دستداران علم طب و موسیقی پیشکش نموده است. با آنکه بنده « راقم این سطور » ماریا دارو از هنر موسیقی معلومات ندارم مگر با مطالعه این رساله ی زیبا و جامع که تشریح تاریخ و مبدا پیدایش و مخترع نوع آلات موسیقی را بیان میکند؛ معلومات مفید بدست آوردم و مستفید شدم. از آلاتی و علمای موسیقی که در این رساله با اهمیت نام برده شده است؛ مشت نمونه خروار تذکر داده میشود.

مخترع غیچک معلم ثانی « ابونصر فارابی میباشد. موسیقی نظربه سایر هنرهای زیبا بر احساسات و روان انسان شدیداً تاثیر گذار میباشد. یونانی ها می نویسند که امرای قدیم آریایی هنگام که بر خوان می نشستند؛ دسته از نوازندگان و خنیاگران به رامش گری و رقص میپرداختند. تا جایکه تصاویر رنگی بامیان و هیکل های هده و کاپیسا معلوم میشود؛ موسیقی در عهد کوشانی ها به حد اعلای پیشرفت خود رسیده بود و تاریخ انکشاف آن به دوهزار سال قبل میرسد. گویند که برخی از ادوات موسیقی؛ طور مثال : توله؛ رباب؛ برط؛ سه تار و طنبور در قرن دوم میلادی از ناحیه باختر از راه سین کیانگ و حوزه طارم در خاک چین منتشر شده است. در همین وقت موسیقی در خدمت آئین بودایی استخدام میشود. آلات موسیقی و استادان نوازنده آن : ابونصر فارابی در غیچک ؛ فرخی سیستانی در چنگ و رود که هر دو را با مهارت مینواخت؛ محمد برطی در این فن استاد بود؛ وی از زندیمان مسعود غزنوی به شمار میرفت. ابن سینای بلخی در موسیقی ید طولائی داشت. خواجه عبدالقادر عودی کنز الاحان که اهل مزرعه بود و در سال ۸۷۳ ق- در هرات در گذشت. هنر وی موجب حیرت موسیقی شناسان روزگار بود.

همچنان خواجه محمود شهابی هروی ؛ قاسم قانونی ؛ حاقظ باباخانی؛ مولانا بنایی ملک الشعرا ی محد شیبانی در موسیقی مهارت خاص داشتند.

الاتی موسیقی : ارغنون؛ ارغنون ماخذ از کلمه یونانی و از جمله بزرگترین سازها در جهان است که مختص به مسیحیان میباشد اما مولانا از دم و بازدم ارغنون تعبیر عرفانی دارد مثال:

هیچ کس را خود ز آدم تاکنون - کی به دست آواز هم چون ارغنون
پس عدم گردد ؛ عدم ؛ چون - از غنون گویدم کانا الیه راجعون
و یا شمس تبریزی چنین سروده است :

از عشق تو گشتم ارغنون عالم - وز زخمه تو ناس شده احوالم
مانندء چنگ شده همه اشکالم - هر پرده که می زنی مرا؛ می نالم

افلاطون در جمهریت آنرا سازی دارای سیم و وتر بسیار معرفی کرده است هم چنان فرانسیس بیکن منطق خود را ارغنون جدید نامیده و آنرا به افلاطون نسبت میدهد. بیا مطرب آن نای را کن به دست - کز او ارغنون یونان شکست. امیر خسرو دهلی میگوید:

چو رود باربد این نغمه پرداخت - نکیسا ارغنون خویش بنواخت
(مغنی) مغنی یکی از آلات زهی؛ شبیه قانون و سنتور میباشد. این اله موسیقی در دوره اسلامی در اصفهان ساخته شده است.

(رباب) از آلات رشته ای (مهتره) کمائی؛ تلفظ آن در لغت با فتح اول (رباب بر وزن صواب) ثبت شده است. پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح در عصر راوانا (اختراع شد و پادشاه سیلان رباب را از ماخذ سلطان Rawanastron راواناسترون معرفی نمود است.

رباب با اشکال مختلف ذکر شده است. فارابی در تحقیقاتش درباره گام رباب دو سیمه با کلمهء بیضی شکل کشکول مانند لعراب شمال افریقا و اسپانیه دانسته است. مولانای بزرگ رباب این ساز سالخورده؛ شورانگیز؛ با نوای جانبخش؛ با مستی افرینی و روان بخش بصورت و با صورت اثر ناکش در ادبیات ما سیمای شناسایی دارد. مولانای بلخ از نواز آن به قلق روحی می آید و صدای گشاده شدن بهشت را می شنود و نعره آن به منزله فریاد اشک چشم و جگرهای کباب می پندارد. در سماع عارفانه سوخته دل؛ رباب غوغا گراست که عارف را به جلسه می کشاند و به بیخودی میبرد و مست میسازد؛ این مولاناست که میگوید:

هیچ می داند چه میگوید در باب - ز اشک چشم و از جگرهای کباب
پوستی ام دور مانده من ز گوشت - چون ننالم در فراغ و در عذاب
چنبرش گوید بدم من شاخ سبز - زین من بشکست و بدرید آن رکاب
بانگ ها همچو جرس در کاروان - یا چو رعد وقت شیران سحاب
ای مسافر دل منه بر منزلی که - شوی خسته به وقت اجتناب

(بربط) نوع از سازها میباشد که در معرب بریت از نوات الاوتار (سازهای زهی) گفته شده است. مانند عود در بغل گرفته میشود.

ابن سینای دانشمند بلخی در بخش ریاضیات شفافبخش بحثی در مورد موسیقی دارد. از نام بردن از سازهای زهی که سیم دستان و پرده داشته و با زخمه یا مظرب به صدا در میآید به بربط اشاره می کند و از سخنان او برمی آید که بربط زمان سامانیان (خسرو و پرویز) چهار سیمه بوده است.

در متون فارسی از سده سوم هجری کلمه عود جای بربط را گرفته است. زیرا نفوذ زبان عربی کم کم جای خود را در ایران باز نموده است اما شعرا و نویسندگان بربط را در آثار بکار میبرند؛ چنانچه سعدی شیرازی میفرماید:
چو اهنگ بربط بود مستقیم - کی از دست مطرب خورد گوشمال
وگر هر که بربط گرفت بدست - قفا خوردی از دست مردم چو دف
خواجہ حافظ شیرازی نیز گفته است:

نشاندند مطرب به هر برزنی - آغنی سرایی و بربط زنی

بیا ساقی از باده پرکن بطی - مغنی کجایی بزن بربطی

(قیچک) قیچک یکی از سازهای کهن در موسیقی قدیم مطرح بوده است. واژه ترکی بوده و به معنی آواز؛ گریه و یا فریاد گلو در متون پیشین ثبت گردیده است. نویسندگان کتب موسیقی از آن به نوعی کمانچه تعبیر نموده اند. حتی در دیپوره مغل و تیموریان از سازهای مجلسی (کمانه ای) محسوب شده است. (طنبوریا تنبور) طنبور از خانواده سه تار « سه سیمه ها » بوده و در تاریخ گذشته مشاهده میشود که در دوره ساسانیان در میان اعراب نیز در ایام بت پرستی رایج بوده است.

(عود) عود در لغت چوبی است سیاه رنگ که به جهت بخور و معطر نمودن ها بسوزانند. این از آلات زهی دوات الاوتار از قدیمی ترین آلات موسیقی در نقاط مختلف جهان موجود؛ شناخته شده است.

(کمانچه) یک نوع سازی است که با کمان نواخته میشود. کمانچه در قرن سیزده و چهاردهم میلادی به شکل کاسه نیم کروی شکل و پایه اهلی نوک تیز؛ در خاور میانه مورد استفاده قرار داشت.

(قانون) الهه میباشد به شکل مثلث و مانند ساعد با سطحی مجرد (تنها) که دارای هفتاد و دو وتر میباشد گاهی از روده و گاهی هم از سیم ساخته میشود. قانون در کشور های اسلامی از قدیم الایام با نام های مختلف موجود بوده لکن کم و بیش تغییر در شکل ظاهری آن مشاهده شده است. اختراع این ساز را به افلاطون و یا برخی به فارابی منتسب داشته اند.

قانون پس از اشتهار در کشورهای عربی در حدود قرن دوازدهم از طریق اندلس به اروپا انتقال یافته است. حافظ در مورد قانون چنین گفته است:

خدا محتسب ما را به فریاد دف و نی بخش

که ساز شرع ازین افسانه بی قانون نخواهد شد

(دف یا دایره) یک واژه عبری است معنی کوبیدن را میدهد. یکی از آلات کوبی و ضربی میباشد که به دایره مشهور گردیده است. در تمام جهان مروج میباشد. ساختمان و ابعاد های دف یا دایره در این رساله موسیقی به خوبی معرفی شده است.

(چنگ) از کهن ترین آلات رشته ای میباشد و با سر انگشت نواخته میشود.

می گفت که تو درچنگ منی - من ساختمت چونت نزنم
من چنگ تو ام برهر رگ من - تو زخمه زنی من تن تنم
حاصل تو ز من دل نکنی - دل نیست مرا من خود چه کنم.
« شعراز مولانا غزلیات شمس»

رودکی برگرفت و نواخت - باده اند؛ کوسرود انداخت « رودکی»
وقت سحر است خیز ای مایه ناز - نرمک نرمک باده خورچنگ نواز « خیام»
در ختم از تمام دوستدار موسیقی و طبابت خواهشمندم این رساله زیبا را مطالعه
بدارند و همچنان برای محترم نصرالدین سلجوقی؛ محترم محمد ارشد بهزاد
سلجوقی و محترم استاد عبدالرحمن فریدون سلجوقی که در این رساله زحمات زیاد
را متقبل شدند و با چنین زیبایی درخطاطی و نقاشی و جمع اوری مطالب تاریخی
اقدام کرده اند از خداوند منان عمر باصحت و سلامتی و سعادت تمنا میدارم.
با حرمت

ماریا دارو - تاریخ ۲۵ فبوری سال ۲۰۲۴

